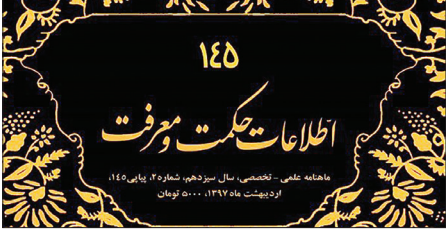


حکمت و معرفت در باب

سلامت معنوی و بهزیستی

شماره جدید «اطلاعات حکمت و معرفت» با موضوع «سلامت معنوی» منتشر شد. اهمیت «سلامتی و بهزیستی» و نیز «معنویت و معناداری»، پوشیده نیست. آنچه این دو را کنار یکدیگر می‌نشانند، نوع نگاهی است که هر فرد و جامعه بدان‌ها دارد. رویکردی که در غالب تحقیقات این حوزه مدنظر است، رویکرد کل‌نگرانه (Holistic) است. دراین رویکرد، باید به سلامت به شکل یک «کل منسجم» و مرتبط با هم نگریست.



یافته علمی - تخصصی سال سیزدهم شماره ۱۴۵، پاییز ۱۴۰۰، دیوبند



دکتر اندیشه محمد علی بیگی

آنتور که از خبرها برمی‌آید، دوران عادی حضور ایرانیان در تلگرام روبه پایان است اما مباحثی در این مدت طرح شده که می‌تواند برای حوزه‌های علوم انسانی موضوع تحقیق جدی باشد. اما علاوه بر این، توجه به مورد تلگرام می‌تواند نمودار ضعف وفتور «خودآگاهی تاریخی» مانیز باشد. ولی آنچه خصوصا باعث نوشتار حاضر است، عباراتی است از آقای رئیس‌جمهور که روز گذشته در «نشست هم‌اندیشی مدیران ارشد دولت تدبیر و امید» ایراد شد. ایشان گفته‌اند: «باید فضا را برای انتقاد و اظهارنظر مردم فراهم کنیم و این جزء وظایف ما و حقوق شهروندی است. اینکه شبکه‌ای انحصار را در اختیار نداشته باشد، صحیح است اما در عین حال باید اجازه دهیم تا مردم زندگی‌شان را بکنند.»

از نظر نگارنده، رئیس‌جمهور ناخواسته، عبارتی مهم گفته و نکته‌ای جدی را یادآور شده است.

«عادت به تلگرام؛ زندگی مردم

در روزهای اخیر، یکی از واکنش‌ها در مقابل فیلترینگ تلگرام آن بود که تلگرام «آگاهی‌بخش» است و حکومت آن‌جا که مخالف گسترش آگاهی‌های عمومی است، دست به فیلترینگ تلگرام زده است. البته آگاهی و تفکر غیر از عادات رایج در زندگی است. وضع عادی با تفکر جدی و عمیق نسبتی ندارد. در وضع عادی کارها «به حسب عادت» انجام می‌شود ولی تفکر وقتی آغاز می‌شود که عادات کارایی سابق را نداشته باشند و انس با عادات مختل شود. چنانکه مشهور است، وقتی با چکش بر سر میخی می‌کوبید، طبق عادت منتظر فرو رفتن میخ هستید و اگر چنین نشود آنگاه پرسش پیش می‌آید که «چرا؟» و پیش از آن نه پرسشی بود و نه مساله‌ای و به این ترتیب تفکر (حتی در نازل‌ترین صورت‌های آن) هم نبود.

البته در ساحت عادات هم سخن گفتن و عالم‌نمایی است اما از آن با عنوان «وراجی» و «تقلید» و «اشتغال به الفاظ» یاد می‌شود. به تعبیر فلسفی، انسان در ساحت عادات با موجودات مأنوس شده و آشناست و با مختل شدن عادات، از این انس و آشنایی فاصله می‌گیرد و در باب اموری که ظاهر عادی می‌نمودند، به سراغ تفکر و «پرسش» می‌رود. پیش از «اختلال در عادات» پرسشی نیست و پاسخ‌ها همان پاسخ‌های عادی‌اند.

باید توجه کرد که در وضع عادی، اطلاعات به نفع عادات مصادره می‌شوند و تورم اطلاعات، به آگاهی منجر نخواهد شد. «آزای همگانی» یا «عادات» مناسب‌د دارد و بریدن از عادات برای عموم، نه‌آسان است نه‌چندان مطلوب. اما بالاخره تلگرام مربوط به کدام یک از این دو ساحت است؟ ساحت عادات یا ساحت تفکر و آگاهی؟

همانطور که آقای رئیس‌جمهور گفته‌اند، تلگرام با زندگی (لااقل) بخشی از مردم مرتبط است و دولت نباید زندگی عادی مردم را برهم زند. پس چنین برمی‌آید که رئیس‌جمهور محترم تلگرام را مربوط به وضع عادی و ساحت عادات در نظر آورده‌اند که البته غلط هم نیست. ما با مظاهر جدید دنیای جدید خومی گیریم و آنها را به وضع عادی زندگی راه می‌دهیم و با آنها احتیاجات و نیازهای مان را برمی‌آوریم و از جتنی برای مان احتیاجات جدیدی نیز به وجود می‌آورند. تلگرام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست.

جمع قابل توجهی از مردم تلگرام را انتخاب کرده‌اند و در فضای آن مشغول به مرادوات عادی خود هستند. اگر این تعداد از مردم، قابل توجه نبودند، فیلترینگ تلگرام به یک مساله کلان تبدیل نمی‌شد. اما نکته مهم آن است که

سعدی

منتقد جامعه

یحیی یثربی: سعدی در عین پرداختن به مسائل عرفانی، مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی مردم را از یاد نبرده است. وی از طبقات مختلف جامعه انتقاد کرده و عیب و اشکال‌شان را بر ملا ساخته است. گلستان و بوستان وی آینه‌ای هستند که اشکالات جامعه را نشان می‌دهند. شاید به همین دلیل بیشتر به سراغ مولوی و حافظ رفته‌ایم و با غزل‌های عرفانی آنان، خود را از همه مشکلات برکنار و صاحب عزت و قدرت پنداشته‌ایم.



فقه موجود ناظر

به نظام‌سازی نیست

احمد رهدار: فقه موجود ما اساسا ناظر به نظام‌سازی نیست بلکه ناظر به احکام خرد است، مثلا به احکام خردی که در داخل بانک‌ها مبتلایه است می‌پردازد اما به خود بانک به عنوان یک نظام اقتصادی نمی‌پردازد! اجتهادی می‌تواند تمدن ساز باشد که فقیه امتداد اجتماعی فتوای خودش را هم در نظر داشته باشد و خودش به استلزامات عملی فقه خودش فکر کند.



نباید پنداشت انتخاب تلگرام امری آگاهانه و مبتنی بر تفکر بوده است. انتخاب تلگرام مثل سایر انتخاب‌های روزمره و روزانه، با وضع عادی ما و نیز امکانات، سرویس دهی و رابط کاربری آن مرتبط بوده است. چنانکه کفش و کلاه و سایر لوازم و وسایل یا نرم افزارها همین طور انتخاب می‌شوند. اعتبار انتخاب‌های عادی و روزمره هم به کارایی آنهاست. هنگام رواج و همه گیری تلگرام در میان کاربران ایرانی، بحث «امنیت» و بدافزار و... در فضای مجازی و حقیقی، به‌طور وسیع مطرح نمی‌شد؛ گرچه بعضا از وابستگی آن به سرویس‌های بیگانه یا از دسترسی و نفوذ حکومت به آن مانند دسترسی به emailها ابراز نگرانی می‌کردند اما اینها مانع رواج تلگرام نشد. پس می‌توان پرسید که مساله «اعتماد به سرویس دهنده» در فیلترینگ تلگرام چقدر موضوعیت دارد.

«تلگرام و» هراسخن از اعتماد است»

همان‌طور که ذکر شد، بعضی (مانند دکتر محمد فاضلی) با برگزاری نظرسنجی‌های محدود در کانال‌های تلگرامی مدعی شده‌اند تلگرام نماد اعتماد به بیگانه و عدم اعتماد به پیام‌رسان‌های داخلی، نشانه عدم اعتماد به حکومت است. پیام‌هایی با محتوای طنز و مطالبه نیز راجع به «سانسور محتوا» در پیام‌رسان‌های داخلی رایج شده است. اما مساله پیام‌رسان داخلی، چقدر ناظر به اعتماد مردم به «حکومت» و چقدر ناظر به خدمات، رابط کاربری و... این پیام‌رسان‌هاست؟

چنانکه در بررسی «وضع عادی» عرض شد، انتخاب کالا و خدمات چندان



گذر از نهادهای سد راه صدور

انقلاب، نه استقلال قم

حجت‌الاسلام زاده‌وش: پیشنهاد نویسنده، ناظر بر استقلال شهر مقدس قم یا حوزه‌علمیه به معنای عام و گسترده نبوده تا کسانی سراسیمه حرف از تجزیه و... بزنند. سخن حقیر از ارتقای نهاد مدیریتی و نهادهای مرکزی و اقماری حوزه‌علمیه در تراز بین‌المللی بود تا آنجا که بتواند با صدای بلندتر و حضور پررنگ‌تری، صادی دین و ولایت را به گوش مخاطبان جهانی خود برساند؛ چرا که از یک سو حوزه‌علمیه با همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی و معنوی و مدعای سراسر حقیقت خود هنوز درون گراست و از سویی نیز انفعال و ضعف نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی در سایر کشورها به گونه‌ای است که نفع‌نخواه به صدور انقلاب و تبلیغ معارف اسلام ناب محمدی (ص) اهمتامی ندارند بلکه گاهی سد راه نیز می‌شوند. یادداشت بنده صرفا طرح یک ایده و پیشنهادی کلی بوده و برخی عزیزان انتظار داشتند که به‌مثابه طرحی تفصیلی و همه‌جانبه، کلیات و جزئیات و راهبردها و... در آن ذکر شود.

که عادات عمومی مختل نشوند و مردمان هر روز مجبور به تطبیق با شرایطی جدید نباشند و ب) آزادی از عادات برای انتخاب جدی و اصیل. این قسم دوم از آزادی است که لازمه تفکر است و نه قسم اول. آزادی از عادات است که انتخابی آگاهانه و در عین حال «غیرعادی» و خلاف آمد عادت را در پی خواهد داشت. تلگرام با کدام آزادی نیست دارد؟ البته با توجه به آنچه ذکر شد، لازم به توضیح نیست که تلگرام در وضع عادی، مقوم عادات و ملازم عادات است و نه مددی در راه گذشت از عادات و نیل به تفکر و «وضع متفکرانه».

به این ترتیب کسانی که دم از آزادی می‌زنند و تلگرام را مددی در راه آزادی‌های عمومی می‌پندارند، توجه‌اند زنده‌در وضع عادی، تلگرام و اطلاعات تلگرامی، حتی اگر به تورم و انباشت اطلاعات کمکی برسانند، باز در جهت تحکیم عادات عمل خواهند کرد. البته یک پیام‌رسان می‌تواند در مسیر آگاهی بخشی هم موثر باشد به شرطی که مردمان از وضع عادی و روزمره به سوی وضع انقلابی یا وضع متفکرانه (که با برهم‌زدن عادات همراه است) حرکت کنند. در چنان وضع حقیقی، همه چیز نسبت به وضع عادی متفاوت خواهد بود. البته وضع متفکرانه به این معنی نیست که حیات طبیعی را انکار کنیم یا تخفیف دهیم؛ بلکه با تفکر است که وضع روزمره نیز سامان می‌گیرد. بدون تفکر و مبتنی بر عادات، عاجلا یا اختلال در عادات و وضع روزمره مواجه خواهیم شد، چرا که وضع عادی پایدار نیست و مورد استفاده اهل تفکر (در اینجا تفکر ابزار یی و بقول ماکس وبر) قرار تواند گرفت و این امر رایجی است. مثال بوقلمون از برتراند راسل را به یاد بیاورید. بوقلمون عادت به دانه‌پاشیدن زن دهقان داشت. روزی زن دهقان رسید و به جای پاشیدن چینه، سر بوقلمون را برید. عادت چنین اقتضائاتی دارد.

«تلگرام و اعمال حاکمیت

مشخص است که دولت باید ملاحظه عادات عمومی را داشته باشد و از ابتدا با توجه به مناسبات با تلگرام، بستر امن و کارآمد داخلی برای عموم ایجاد کند تا تلگرام محل رجوع و استفاده عمومی نشود. غفلت از این مطلب و استفاده ابزاری از این پیام‌رسان برای پر دادن وادی اما طر‌فدار آزادی هستیم» در آوردن، قطعاً امری پسندیده نیست و هیچ کشوری این طور امر را ره‌نامه‌ی کند. امور با داریت و در نسبت با هزینه-فایده تدبیر می‌شوند. دولت البته نمی‌تواند امور اساسی کشور را با وضع روزمره و عادی اداره کند. اداره امور مستلزم فکر و تفکر است. انطور که پیداست گرچه رئیس محترم جمهور تلگرام را در زمره عادات عمومی در نظر گرفته، اما اداره امور را هم با حواله دادن شان به عادات، تعطیل کرده‌اند. اگر عادت رایج معیار اساسی برای اداره امور باشد، وضع سیاست‌های جدید یا اجرای سیاست‌های معطل، همه خلاف عادات است و باید تعطیل شود! پس اصلا به دولت چه نیازی است؟ و برای چه ایشان رئیس‌جمهورند؟ رئیس‌جمهور آمار دیوست هزارتایی اشتغال مجازی را در دومیلیون بلکه بیشتر عنوان کردند. از این جهت ممکن است دچار سهو لسان یا حواس پرتی شده باشند؛ اما قائل نشدن شأنی برای دولت و سیاست و تفکر، چیزی غیر از سهو لسان و حواس پرتی است.

لازم است حکومت از وضع عادی فراتر رود و اگر در جایی صلاح دید، عادات را برهم زند، گرچه حتی الامکان باید عادات را هم محترم بشمارد ولی اگر در موردی صلاح کشور در تغییر عادات عمومی بود، دولت نباید با بهانه آوردن از آن طفره برد. کار دولت این طور است و مملکت و مملکت‌سازان پیدانمی‌کند.

پانوش‌ها:

۱- بدون اینکه قائل به حصر ساحات، در این دو وضع باشیم.

وقتی زن بر مرد برتری می‌گیرد

مرد بر زن برتر می‌شود و همین می‌تواند نشان دهنده یک نابرابری برابر یا فرصت‌های برابر باشد. همان لحظه خاص مورد اشاره، برای واسازی و تقابل دوتایی «حضور/غیبت» و «زن/امرد» کافی است؛ دو تقابلی که دیدیم دریدا آنها را از جمله تقابل‌هایی می‌دانست که اولی بر دومی برتر پنداشته می‌شود. البته این نتیجه بود که علیه تقابل‌های دوتایی شورید، اما این دریدا بود که در گراماتولوژی و مبارزه‌اش با لوگوسنتریسم و فالوگوسنتریسم آن را تئوریزه کرد.

برتری زن بر مرد در غیبت، حضور می‌یابد؛ «دم‌دستی شدن زن» به خود او آسیب رسانده و این چیزی است که به مرد هم آسیب می‌رساند و مردم هم نباید دم‌دستی باشند. تجلیل از زن محجوب ربطی به تایید در حجاب رفتن وجود اجتماعی زن ندارد.

زن می‌تواند حضور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و علمی فعال و هم‌پای مرد داشته باشد، اما در این میان، شاید لطافت و زنانگی‌اش را از کف بدهد و شاید بتواند با حفظ وقار و استقلال خود، در عین حضور اجتماعی، آن وجه غیبت‌آمیز خود را حفظ کند. شاید بتواند خنده‌هایش، محبتش و وجودش را بذل نکند. پس، این بودن در غیبت به معنای خانه‌نشینی نیست و حتی به معنای رازناک بودن زن نیست، او می‌تواند اجتماعی و سیاسی باشد (وجه آن‌تولوژیک داشته باشد)، اما به لحاظ آنتیک محجوب و موقر بوده، باکل دم‌دستی و عادی نباشد و اجازه ندهد زنانگی وی با تاننگی مساوی باشد تا بدین سان زیر سلطه نباشد. برای این منظور، او باید بگوید که وجود اجتماعی، علمی و... فعال داشته باشد و خود را از انفعال یا از وجود وابسته بودن مبرا سازد.

«تفاوت ربودن و دزدیدن

غیبت، با ربودن گره خورده است و ربودن با دلبری و دلربایی. ربودن، بودن در تاریکی است و درخشش، متعلق اراده و خواست و اما دزدیدن، نور افکندن بر تاریکی است و نه درخشش شیء در تاریکی. در دزدیدن، دزد بر تاریکی نور می‌افکند تا چیزی را که می‌خواهد بیابد، اما در ربایش، آن چیز در تاریکی می‌درخشد و جلب توجه می‌کند، مانند ستاره‌ای در شب تاریک. برخلاف رابطه شیء و سارق که مصنوعی است، در ربایش شاهد رابطه‌ای طبیعی و خودبه‌خودی هستیم و شیء خاصیت کهریابی دارد؛ یعنی خودش درخشان است بی‌آنکه در اثر توجهی درخشان شده باشد.



موقتی داشته باشد؛ موقتی بودن یعنی با عشق بت پرستانه باشد یا بی عشق و نفی خود در معشوق است یا سلطه جویانه باشد که عاشق، معشوق را همچون «وصال» می‌طلبد و به صرف وصال، عشقش فرو می‌نشیند؛ برخلاف عشق بت پرستانه که صرف وصال آن رانمی‌نشانند، بلکه سرخوردگی‌ها و دیدن تناقض‌های بیشتری در معشوق برای فروکش عشق لازم است. ناظر به همین دو گانه تسلیم- تسلط است که اریک فروم در «هنر عشق ورزیدن» عشق بت پرستانه را عشق مازوخیستی و عشق سلطه جویانه را سادیستی می‌داند. به هر روی، عشق بت پرستانه و سلطه جویانه هم نادر شده است و تفاوت، تکثر و تنوع در دنیایی که هرچه بیشتر سطحی می‌شود، راز و «عشق رازناک» را به محاق برده و تفاوت،

بی تفاوتی آفریده است. دم‌دستی بودن زن برای مرد و سپس مرد برای زن، پدیده‌ای است که نمود بارز آن را در فضای مجازی می‌بینیم؛ پدیده‌ای که عشق مقدس را «مجازی» و «نامقدس» و نسخ و فسخ و مسخ و رسخ می‌کند.

«چرا زن از مرد برتر می‌شود؟

از نگاه ژاک دریدا، نظامات اندیشه غربی، کلام محور بوده‌اند؛ بدین معنا